

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۹۴۵/۵۵۵ رده بندی کنگره: ۹۳۳/۲

درآمدی بر مسئولیت نیابتی در حقوق فرانسه

فاطمه کریمی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

مسئولیت کیفری یکی از اصول شاخص در عرصه‌ی حقوق کیفری به شمار می رود که موجب پاسخ‌گویی افراد بر حسب دارا بودن شرایط مسئولیت کیفری در مقابل قانون است. با شناسایی اصل شخصی بودن مجازات، مسئولیت جمعی و آثار ناگوار آن در حقوق بسیاری از کشورهای جهان فروپاشید؛ به طوری که سزار بکاریا دانشمند ایتالیایی با نوشتن رساله‌ی «جرایم و مجازات‌ها» و در فرانسه ناپلئون با ایجاد «کد ناپلئون» سعی در برقراری عدالت به صورت مدون کردند. به مرور زمان با رشد کیفی قوانین، مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری شکل گرفت و اشخاص دیگری وارد عرصه‌ی مسئولیت کیفری شدند. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در فرانسه تا سال ۱۹۹۲ به صورت استثنائی اما با تصویب قانون جزای جدید مصوب ژوئیه‌ی ۱۹۹۲ به یک اصل خدشه ناپذیر تبدیل شد.

واژگان کلیدی: مسئولیت نیابتی، حقوق کیفری، فرانسه، تقصیر

بخش اول: کلیات

در جوامع پیشین مسئولیت کیفری به شکلی متمایز از جهان امروز کاربرد داشته است. مسئولیتی که فارغ از شرایط عامه‌ی تکلیف از منظر فقهی و صرف نظر از توجه به نوع انسان، حیوان یا جمادات اعمال می‌شده است. مجازات به صرف فعل یا ترک فعل برای همه به یک شکل بدون توجه به درجه‌ی تقصیر یا قصد مرتکب به صورت مسئولیت جمعی اجرا می‌شد؛ یعنی علاوه بر شخص، اطرافیان و اعضای خانواده‌ی وی را نیز در بر می‌گرفت. در سوابق حقوقی فرانسه، با نگاهی به حقوق تعهدات تا سال ۱۹۹۱، تنها با توجه به موارد مصرح در ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه، مشاهده می‌کنیم که محدوده‌ی آن به برخی از مصادیق به صورت استثناء بود و تفسیر مضیق می‌شد و از منظر حقوق سنتی، استثنایی بر اصل شخصی بودن مجازات محسوب می‌شد اما از تاریخ ۲۹ مارس ۱۹۹۱، با تفسیر دیوان این استثناء تبدیل به قاعده شد و با صدور تصمیمی مشهور به «بلیک»^۱ در حقوق این کشور نه تنها این مسئولیت به شکل موسع تفسیر شد بلکه در کتب مشهور و جدید، اصلی به نام «مسئولیت ناشی از عمل غیر» یاد می‌شود. از این تاریخ، رویه‌ی قضایی فرانسه نیز این مسئولیت را تحت عنوان آن‌هایی که باید جوابگوی اعمال دیگری باشند، مورد پذیرش قرار داد و با توجه به عبارات کلی بند ۱ با تفسیری وسیع از ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه آن را به عنوان قاعده‌ی کلی تحت عنوان مسئولیت ناشی از عمل غیر به وجود آورد. (Jiang. ۲۰۱۲: ۱۱ et ۱۲) این اصل در بند سوم ماده‌ی ۱۲۱ قانون جزای فرانسه پیش‌بینی شده که به نظر می‌رسد استثنایی بر بند ۱ همین ماده محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین و توضیح اصل مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری با

1. Bliec

روش تحلیل و تفسیر موارد قانونی سعی در ارائه ی دیدگاه کلی حقوقدانان و قانون گذار فرانسه دارد که در پنج مورد به شرح ذیل طبقه بندی شده است:

۱- اشخاص حقیقی

۲- اشخاص حقوقی

۳- مبانی اصل مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری

۴- قلمرو جرایم ارتكابی

۵- مصادیق قانونی و قضایی

۱- اشخاص حقیقی: بند ۳ ماده ی ۱۲۱ قانون جزای فرانسه در این باره مقرر می دارد: «هیچ جنایت یا جرحه‌ای بدون قصد ارتكاب آن وجود ندارد. با این همه ، هنگامی که قانون پیش بینی می‌نماید، به خطر انداختن ارادی دیگری جرحه به شمار می‌رود. هم چنین هنگامی که قانون پیش بینی می‌نماید در صورت خطای مبنی بر بی احتیاطی ، بی مبالائی یا عدم انجام تعهد مبتنی بر رعایت احتیاط یا ایمنی پیش بینی شده به وسیله ی قانون یا آیین نامه اگر ثبت شده باشد که مرتکب اعمال در صورت مقتضی با ملاحظه‌ی ماهیت مأموریت ها، وظایف، صلاحیت ها و نیز با توجه به توان و ابزارهایی که در اختیار داشته است مراقبت معمول را انجام نداده است، عمل او جرحه محسوب می‌شود. در حالت پیش بینی شده در بند پیشین اشخاص حقیقی‌ای که به طور مستقیم سبب ورود خسارت نگردیده اند ولی وضعیتی را ایجاد نموده یا در ایجاد وضعیتی شرکت نموده اند که امکان ورود خسارت را فراهم آورده است یا تدابیری که مانع از ورود خسارت می‌شود را به کار نبرده

اند از نظر کیفری مسئول می باشند اگر ثابت شده باشد که آنان خواه با اراده‌ای آشکار،

تعهد ویژه مبتنی بر احتیاط یا ایمنی پیش بینی شده به وسیله‌ی قانون یا آیین نامه را نقض

کرده اند خواه خطای ویژه‌ای را مرتکب شده اند که دیگری را در معرض خطر جدی قرار می‌داده است که نسبت به آن نیز نمی‌توانسته اند ناآگاه باشند». در انتهای ماده ی فوق الذکر وضعیتی را مشاهده می‌کنیم که در نتیجه ی رفتار مسبب حادثه ایجاد شده است. رفتاری که یا در اثر نقض قوانین یا آیین نامه های مصوب با اراده و آگاهانه صورت گرفته و یا در اثر بی احتیاطی یا غفلت مسبب، باعث ایجاد حادثه ی مزبور شده است که قانون گذار فرانسه حالت دوم را نیز آگاهانه تلقی کرده است. به نظر می رسد منظور قانون گذار از آگاهانه بودن این اقدام، نقض قوانین و آیین نامه های مصوب می باشد؛ چرا که اگر این موضوع در قوانین کاری مورد بررسی قرار گیرد، اصولاً با آگاهی از قوانین یا آیین نامه های مصوب، شخص مشغول به فعالیت است و اصولاً نمی تواند نسبت به تخلف از انجام آن ها بی اطلاع باشد. در غیر این صورت زمانی که فرد در اثر خطای فاحش رفتار مخاطره آمیزی را انجام می دهد که در عین آگاهی به قوانین، نشان دهنده ی عمدی و ارادی بودن آن نباشد، نمی توان رفتار مزبور را آگاهانه دانست.

۲- اشخاص حقوقی: در حقوق پیشین فرانسه یعنی تا سال ۱۹۹۱، مشاهده می شود که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پیش بینی شده و مقرراتی نیز در این زمینه به چشم می خورد. اما با توجه به دنبال تحول افکار در قرن هجدهم و نهضت اصلاح طلبی در اصول و قواعد حقوقی کیفری که در صدد تعالی شخصیت موجودیت فرد بود، قانون گذار کیفری دوران انقلاب فرانسه بیش تر به حقوق و وظایف افراد توجه می کرد و مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را مردود می دانست. به همین جهت در قانون جزای سال ۱۸۱۰ معروف به کد ناپلئون، مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی پیش بینی نشد. با این حال دیوان فرانسه جرایم کاملاً مادی را قابل انتساب به اشخاص حقوقی می دانست. در زمان جنگ دوم بین الملل، حکومت ویشی در فرانسه نسبت به معاملات سپاه عکس العمل شدیدی نشان داد و

مقرر داشت که شرکت ها و جمعیت ها و مدیران مسئول آن متضامناً مسئول پرداخت جریمه های جزایی می باشند. بر طبق قانون جزا مصوب ۱۹۴۸، فراماسونری و جمعیت های دیگری که اقدامات آن ها برخلاف منافع عمومی کشور بود، منحل گردید و ضمانت اجراهای مالی و اهانت آور در مورد آن ها تعیین شد. با این حال مقنن کیفری فرانسه به عنوان یک قاعده ی کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را نمی پذیرفت و تنها رویه ی قضایی و برخی قوانین خاص از این قاعده ی کلی عدول و استثنائاً این مسئولیت را مورد قبول قرار می دادند. هم چنین حقوق دانانی چون لواسور^۱ و استفانی^۲ علت عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حوقی را این گونه بیان کردند که؛ تقصیر یک امر شخصی است و لذا اگر جرمی ارتکاب یابد، می بایست یا مدیران شخص حقوقی یا کسانی که مرتکب جرم شده اند مجازات شوند یا اشخاص حقوقی را نمی توان در معرض مجازات بدنی و جسمانی قرار داد. هم چنین اشخاص حقوقی برای اهداف و موضوعات قانونی و مشروع تشکیل شده اند و بنابراین نمی توانند مرتکب یک عمل خلاف شوند. لواسور و استفانی در خصوص جرایمی مانند: تظاهرات و وانمودهای فریبنده و کلاهبرداری، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را می پذیرند و استثنائات نادری نسبت به مسئولیت کیفری آن ها وجود داشت که در ارتباط با مقررات جزایی اقتصادی بود و به عبارت دیگر در مواردی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر اساس حمایت از امنیت و نظم جامعه بود، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار می دادند. حقوق فرانسه با تأسی از این دیدگاه ها سرانجام این اصل را بر اشخاص حقوقی قابل اعمال دانست و در برخی قوانین و مقررات، اشخاص حقوقی را به خاطر جرایم ارتكابی توسط مستخدمین و نمایندگان آن ها مسئول شناخته و جریمه می نمود. در سال ۱۹۹۱ به دلیل نیاز شدیدی که به وجود مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به منظور واکنش مناسب در مقابل پدیده های

1 . Georges Levasseur

2 . Gaston Stefani

اجتماعی مجرمانه‌ی این اشخاص در بین حقوق دانان و مقنن کیفری فرانسه احساس می‌شد، مقنن برای رفع موانع قانونی و اصل کلی عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اقدام به اصلاح قانون جزا نمود و بدین ترتیب استثنائات فراوانی نسبت به این فرض که نمی‌توان اشخاص مذکور را مسئول شناخت، به وجود آمد. (حسینی، ۱۳۷۴، ۱۳۵-۱۳۸) رویکرد خلاصه‌ای از بعضی قوانین و رویه قضایی فرانسه وجود آشکار مسئولیت کیفری بر رفتار دیگری را به ما می‌نماید. علاوه بر چند قانون پراکنده، قانون مسئولیت شرکت‌ها و سازمان‌ها مصوب ۱۹۹۴، زمینه را برای باور وجود چنین مسئولیتی فراهم می‌نماید. یکی از این موارد، وابسته به مسئولیت پخش‌کننده‌های مطبوعات و مسئولیت صاحب خودرو در زمینه تخلف و جریمه می‌باشند. مسئولیت شرکت‌ها و سازمان‌ها نیز که در ماده‌ی ۲-۱۲۱ آیین‌نامه‌ی کیفری بیان می‌کند: «شرکت‌ها از نظر کیفری مسئول اعمالی هستند که ارگان‌ها و نمایندگان‌شان به نام آن‌ها انجام می‌دهند». بیان این ماده‌ی القاء می‌کند که شرکت‌ها از نظر کیفری مسئول اعمالی هستند که خود انجام نداده‌اند. قانون‌گذار می‌بایست این مسئولیت را با مشخص کردن عامل اصلی واجب می‌نمود؛ چرا که طبیعت غیر قابل لمس شرکت‌ها و سازمان‌ها به آن‌ها اجازه نمی‌داد که خودشان عمل کنند و فرض بر آن است که امور شرکت‌ها را با دخالت اشخاص حقیقی می‌توان انجام داد. قانون جزای فرانسه مصوب مارس ۱۹۹۴، مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی را به صراحت بیان می‌کند. کما این که در ماده‌ی ۲-۱۲۱ اشخاص حقوقی به استثنای دولت را از جهت جزایی مسئول شناخته شده‌اند. با توجه به ماده‌ی مزبور، یک شرکت تجاری، جامعه‌ی مدنی، انجمن یا یک جامعه‌ی ارضی و همه‌ی اشخاص حقوقی وقتی که یک جرم قانونی را مرتکب شوند، می‌توانند مورد مجازات قرار گیرند. جرم مزبور می‌تواند به وسیله‌ی مدیر شخصاً یا توسط همه‌ی اشخاص از جمله کارفرما که که مسئولیتی را در شرکت به عهده گرفته‌اند انجام یابد. به دنبال آن، تحریم‌هایی برای این شرکت‌ها وجود دارد که ممکن است به انحلال آن‌ها، متوقف کردن فعالیت شرکت‌ها یا جریمه‌های نقدی بیانجامد. بنابراین

قاعده ی اصولی مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری بدین گونه است که اصولاً مسئولیت جزایی متوجه شخص اعم از حقیقی یا حقوقی است که با جمع سایر شرایط عمل مجرمانه را مرتکب شده است. با این وجود گاهی اوقات مشاهده می کنیم که قانونی خاص یا رویه ای، اشخاصی را به جهت اعمال مجرمانه ای که از طرف دیگران صورت گرفته، مسئول می شناسد. در واقع مسئول رفتار دیگری، شخصی است که نه عامل مادی و نه شریک جرم است اما می تواند برای جرمی که مرتکب نشده مسئول باشد. در ماده ی مزبور اشخاص حقوقی را در کنار اشخاص حقیقی مرتکب، دارای مسئولیت قلمداد می کند؛ این همان امری است که در ماده ی ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ایران نیز گنجانده شده است. عدول از اصل شخصی بودن مجازات در حقوق کیفری فرانسه به دو صورت «مسئولیت کیفری غیر مستقیم» و «مسئولیت کیفری مستقیم» وجود دارد. شکل اول در صورتی است که یک شخص، جریمه هایی که در اصل، شریک جرم یا عامل کار می بایست پرداخت کند را به عهده می گیرد. بنابراین خود شخص مورد پیگرد قانونی نیست و حکم در سجل کیفری او ثبت نمی شود. مصداق های موجود برای این شکل از مسئولیت شامل انتقال جریمه نسبت به ورثه، اتحاد در پرداخت جریمه ها و امنیت مدنی برای پرداخت جریمه است. در شکل دوم مسئولیت یعنی مسئولیت کیفری مستقیم نیز شخص نه عامل کار خلاف است و نه شریک جرم اما با این حال شخصاً مورد پیگرد قانونی قرار داده می شود و شخصاً هم محکوم می شود و حکم در سابقه کیفری او ثبت می شود. مصادیق آن شامل موارد قانونی، خارج از قانون، شرایط برای جرمی که توسط یک کارمند شکل گرفته و شرایط مربوط به کارفرما یا رئیس شرکت می باشد. در مورد وضعیت جرمی که توسط یک کارمند شکل گرفته، چه جرم ارتکاب یافته توسط کارمند عمدی باشد یا غیر عمدی، کارفرما مسئول می باشد. این موردی بود که دیوان عالی فرانسه در سال ۱۹۵۹ بیان کرد و در سال ۱۹۸۵ مورد تأیید نهایی قرار داد. در گذشته دکتین فرانسه از فقه انتقاد می کردند که چرا رئیس شرکت نمی تواند بالای سربیکایک پرسنل خود باشد تا خطایی از جانب آن

ها صورت نگیرد. در صورتی که مطابق قانون مجازات فرانسه، هر کس مسئول عملکرد خودش می باشد. بنابراین ممکن است که در این مورد، فقه کاربردی نداشته و کنار گذاشته شود. این همان وضعیتی است که در حقوق کیفری ایران نیز گنجانده شده است. در وضعیت مربوط به کارفرما یا رئیس شرکت، در خصوص این سؤال که آیا مسئولیت یک مدیر وابسته به خطا و تقصیری است که از او سر می زند یا خیر؟ دیوان عالی فرانسه این گونه نظر داد که کارفرما مسئول می باشد، حتی اگر هیچ خطایی از طرف او صورت نگرفته باشد. اما نمی تواند مسئولیت خود را با ثابت کردن این که هیچ خطایی نکرده معاف کند و خود را تبرئه سازد. مانند: غایب بودن مدیر زمانی که خطایی از طرف کارکنان او صورت گرفته است. در واقع مسئولیت کارفرما در گرو رفتار کارکنان خود می باشد. به طور خودکار در لحظه ای که خطا توسط یکی از کارکنان صورت گرفته باشد، او مسئولیت پیدا می کند. منظور از جمله ی اخیر این است که تقصیر کارفرما مفروض گرفته شده مگر این که شرایط غیر منتسب به خویش را اثبات نماید.

بخش دوم: مبانی اصل مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری

بند اول: نظریه ی خطر

رویه قضایی فرانسه در چندین حکم قدیمی از نظریه ی خطر پیروی کرد و مفهوم آن را مسئولیت ناشی از شغل یا وابسته به سرمایه داری بیان کرد. اما این نظر با مخالفان وسیعی از حقوق دانان مواجه شد که نظریه ی خطر را منطبق با واقعیت حقوقی نمی دانند؛ چرا که آن را مغایر با اصل شخصی بودن و مخالف با هدف سزادهی حقوق جزا در مقابل اعمال مجرمانه ی افراد می دانند. شاید بتوان گفت اگر این موضوع بر اساس میزان خطاهایی که افراد بر حسب وظیفه ای که به آن ها سپرده شده سنجیده شود، عنوان «تقصیر جزایی»

تعبیر درست تری به نظر می آید که ظاهراً ما را از پرداختن به نظریه های دیگر بی نیاز می کند.

بند دوم: نظریه ی خطا

در حقوق کیفری فرانسه یک نظریه به نام "مجرمیت استعاره ای" بیان شده است. طبق این نظریه، کسی که وظیفه ی مراقبت عمل مجرمانه را به عهده داشته، به علت این که احتیاطات لازم را به عمل نیاورده تا کارکنان او کلیه ی مقررات و اصول قانونی را رعایت کنند، شخصاً مرتکب تقصیر شده و دارای مسئولیت کیفری است. برای احراز این مسئولیت نیاز به دلیل و مدرک جداگانه ای نیست و به محض این که عمل مجرمانه از طرف کارگر یا کارمند صورت گیرد، وجود تقصیر در کارفرما یا صاحب مؤسسه یا فروشگاه مفروض شناخته می شود. برای مثال: اگر مکانیسین مسئول تعمیر ماشین آلات کارخانه، دقت و مراقبت کافی در تعمیر و نگهداری آن به عمل نیاورد بالتیجه کارگری که با این دستگاه کار می کند، ناگهان به علت خراب بودن آن، دستش با تیغ برنده ماشین برخورد و انگشتان او قطع شود، کارفرمای کارگاه مسئول است چرا که عنصر مادی جرم را از مکانیسین مسئول تعمیر ماشین به عاریت گرفته است. همان طور که مشاهده می کنیم، در این نظریه سعی بر آن است تا عنصر روانی مقام بالادست مفروض گرفته شود و به محض وقوع جرم او را دارای مسئولیت کیفری انگاشت. به همین علت گفته می شود که فرض می گیریم به تبع عنصر روانی مفروض، کارفرما عنصر مادی را نیز از کارگر خود قرض گرفته است تا بار مسئولیت بر دوش وی قرار گیرد. اما مسلماً این نظریه مبنای حقوقی درستی نمی تواند باشد؛ چرا که اگر فرضاً کارفرما دخالتی در عنصر روانی نداشته باشد و وظایف خویش را به درستی انجام داده باشد ولی به طور مثال کارگر با خرابی اتفاقی دستگاه مواجه شده و این امر را به اطلاع کارفرما نرساند و در اثر این بی احتیاطی، خود کارگر باشد که تقصیر را ایجاد کرده است، دیگر نمی توان کارفرما را مسئول کیفری

دانست و عنصر مادی جرم را نیز به وی نسبت داد. در غیر این صورت رویه ی پیشین قضایی فرانسه قابل اجرا خواهد بود مگر این که تصور کنیم این نظریه در صورتی عنصر روانی کارفرما را مفروض می گیرد که علاوه بر قصور کارگر، سهل انگاری خود کارفرما در رعایت مقررات نیز این مسئولیت را ایجاد کرده باشد. مطابق نظریه دیگر که "مباشرت معنوی" نام دارد، معتقد است شخصی که به خاطر عمل دیگری مسئول می شود، در حقیقت فاعل معنوی مجرمانه است و به مسئولیت مجرم اصلی که مرتکب خود رفتار شده و فاعل مادی است، ضمیمه می گردد. قبول این نظریه باعث تفسیر موسع قوانین کیفری خواهد شد؛ زیرا طبق این نظریه بدون وجود رابطه ی ناشی از قرارداد کار بین کارگر و کارفرما می توان کارفرما را مسئول اعمال دیگران دانست. در این جا مسئولیتی که قانون گذار برای کارفرما یا مدیر مؤسسه در نظر گرفته، به خاطر این است که صرف نظر از خطا و تقصیری که فاعل مادی و کارگر مرتکب شده، خود کارفرما و مدیر مؤسسه هم به طور ضمنی مرتکب خطایی شده و به همین علت دارای مسئولیت کیفری است. به عبارت دیگر، مسئولیت این اشخاص به خاطر این است که این اشخاص موظف بوده اند که با مراقبت های لازم مانع وقوع بزه از ناحیه ی مرتکب شوند، در غیر این صورت چون شخصاً مرتکب تخلف شده و این تخلف علت غیر مستقیم وقوع جرم است، از لحاظ کیفری مسئول و قابل مجازات می باشند. به نظر می رسد در خصوص رابطه ی کارفرما و کارگری، اگر قرارداد کاری در این زمینه وجود نداشته باشد، اساساً اثبات این نوع مسئولیت دشوار خواهد بود؛ زیرا در راستای قراردادی که مطابق مقررات قانونی بین این دو منعقد می کنند، قانون گذار نقش حمایتی از زیردستان را مدنظر قرار داده است و در بعضی موارد اشخاص دیگری را مسئول قلمداد می کند. پذیرفتن عنوان مباشرت معنوی نیز برای این مورد بی معنا به نظر می رسد؛ چرا که اگر جرم ارتکاب یافته در نتیجه ی بی احتیاطی یا قصور از جانب کارفرما باشد، سبق تصمیمی وجود ندارد تا بتوان وی را مباشر معنوی دانست. در نتیجه به نظر می رسد در صورت نبودن قرارداد کاری بین کارگر و کارفرما و ارتکاب جرم

به صورت عمدی شاید بتوان از این عنوان مجرمانه برای توجیه پذیرش این مسئولیت استفاده کرد؛ زیرا در مباشرت معنوی بیان کردیم که اصولاً در حالت عمدی از طریق وسیله قرار دادن دیگران در ارتکب جرم اتفاق می افتد و ارتکاب این نوع جرم در حالت غیر عمد توجیه منطقی ای ندارد. در حقوق فرانسه برای این مزیت نظریه ی تقصیر بیان شده است که مبنای حقوقی مسئولیت رفتار دیگری، ناشی از خطایی است که از جانب خود او اتفاق افتاد است. در کل نظریه های مجرمیت استعاره ای یا مباشرت معنوی، مسئولیت کیفری رفتار دیگری را به طور واقعی بیان نمی کنند. در حقیقت به بیان مسئولیت شخصی می پردازند که به دلیل رفتار مادی مجرمانه ی دیگری ناچار است از لحاظ کیفری پاسخگو باشد و این موافق با فلسفه ی جزادهی قانون مجازات و رسیدن به عدالت نیست. نظریه های دیگری نیز در حقوق کیفری فرانسه مانند نظر دیوان عالی فرانسه یا رویه ی قضایی این کشور وجود دارد. برای نمونه دیوان عالی فرانسه در سال ۱۹۴۴ میلادی، در یکی از پرونده ها اعلام داشت که هرگاه در اثر خطای یکی از کارکنان داروخانه به هنگام نسخه پیچی جرمی واقع شود، مدیر داروخانه به عنوان معاون در ارتکاب جرم مسئول است. (رنجبر، ۱۳۹۲ : ۱۷)

بند سوم: نظریه ی مسئولیت نیابتی^۱

برابر این نظریه مدیران شرکت، نماینده و عامل اشخاص حقوقی هستند. در نتیجه هم اشخاص حقوقی و هم نمایندگان آن ها دارای مسئولیت کیفری خواهند بود. مسئولیت جانشینی شایع ترین الگوی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوق عرفی است. مسئولیت جانشینی اختصاص به اشخاص حقوقی ندارد بلکه به انجمن های فاقد شخصیت حقوقی و تاجران نیز قابل تسری است. مسئولیت جانشینی اشخاص حقیقی و حقوقی در ابتدا در حقوق انگلستان به عنوان تمهیدی برای الزام کارفرمایان به جبران خسارت افرادی

1. Vacarious liability

استفاده می‌شد که به واسطه‌ی اهمال کارکنان آن‌ها متحمل ضرر و زیان می‌شدند و در حال حاضر در نظام حقوقی این کشور به عنوان یکی از مبانی حقوقی کاربرد دارد. نظریه‌ی مسئولیت جانشینی که یکی از اشکال توجیهی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است در حوزه‌ی جرایم با مسئولیت مطلق، جرایمی که تلویحاً یا تصریحاً قانون موضوعه مسئولیت ناشی از رفتار دیگری را در مورد آن‌ها پذیرفته و نیز جرایم موضوع مدیریت قابل تفویض که در ادامه به آن می‌پردازیم اعمال می‌گردد. برای فهم این که آیا می‌توان در یک قانون مسئولیت جانشینی را مفروض دانست و بر اساس آن اشخاص حقوقی را به واسطه‌ی مسئولیت نیابتی در قبال رفتار مجرمانه‌ی کارکنان و مدیران آن‌ها مسئول دانست، باید با توجه به متن قانون، هدف قانون، ماهیت جرم و تکالیفی که قانون تعیین نموده، تکلیف آن را مشخص نمود. (حسنی، ۱۳۷۴، ۶۳)

بند چهارم: نظریه‌ی مسئولیت سازمانی^۱

این نظریه نسخه‌ای متفاوت از نظریه‌های پیشین می‌باشد. ایده‌ی مزبور منشأ جرایم صورت گرفته‌ی سلسله‌فعالیت‌های شخص حقوقی را بیش از شخص یا اشخاصی معین در رویه و خط مشی آن جستجو می‌کند و بر همین مبنا در پیش‌گیری از وقوع جرایم، فراتر از افراد به اصطلاح فرهنگ جرم زای شخص حقوقی می‌اندیشد. البته این سخن به این معنا نیست که نظریه‌ی مسئولیت سازمانی، مسئولیت کیفری اشخاص مختلف را کنار می‌نهد و به تنبیه آن‌ها اعتقادی ندارد، بلکه بر این باور است تا زمانی که ساختار معیوب شخص حقوقی اصلاح نشود، فشار سازمانی ناشی از آن، همواره اعضایش را در مسیر ارتکاب جرم قرار خواهد داد و تغییر مدیران نیز ثمربخش نخواهد بود. به همین خاطر

1. Organizational responsibility

ضمانت اجراهای به کار رفته در برابر جرایم شخص حقوقی مجرم باید از چنان ویژگی ای برخوردار باشد که متضمن اصلاح فرهنگ و رویه ی مجرمانه ی آن ها باشد. این نظریه در یک چارچوب منطقی، شخص حقوقی را به عنوان فاعل مستقل تلقی و فی نفسه مخاطب حقوق کیفری قرار می دهد. با این رویکرد، قاضی پرونده به جای جست و جو در حالت های شخص حقوقی به کنکاش در احراز سیاست و خط مشی آن رهنمون می شود. به گمان مدافعان این نظریه، رکن معنوی جرم شخص حقوقی باید این مهم را مطمح نظر قرار دهد. در واقع احراز رابطه ی علی و معلولی بین فرهنگ جرم زای شخص حقوقی و جرم ارتكابی، دشوارترین و در عین حال مهم ترین وظیفه ی دادگاه رسیدگی کننده می باشد. تحقیقات باید به ترتیبی جهت یابد تا معلوم کنند چگونه ساختار جاری شخص حقوقی و شیوه ی اداره ی آن ناقض قانون بوده است. جزای سازمانی به قاضی رسیدگی کننده اجازه ی محکومیت شخص حقوقی را فارغ از محکومیت شخص حقیقی می دهد. به عبارت دیگر، خطای سازمانی امکان صدور احکام متضاد را در پیش روی مقام قضایی می گذارد؛ به این شکل که بتواند به رغم تبرئه ی شخص حقوقی حکم صادر کند. حالت اول آن جا صدق می کند که کارمند شخص حقوقی بی گناه و رفتار او محصول سیاست جرم زای شخص حقوقی است. حالت دوم نیز ناظر به موردی است که کارمند شخص حقوقی با اراه ی خود و بر خلاف سیاست شخص حقوقی مرتکب جرم شود. با این ویژگی، مسئولیت بر پایه ی فرهنگ و سیاست از یک سو موجب توسیع و از سوی دیگر موجب تضییق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می شود. آن جایی که تلاش مقام قضایی برای یافتن شخص یا اشخاص مقصر راه به جایی نبرد و قادر به احراز مسئولیت کیفری شخص حقوقی بر مبنای یکی از نظریه های نمایندگی یا مسئولیت نیابتی نباشد، می تواند بر اساس فرهنگ مجرمانه و خطای سازمانی، مسئولیت شخص حقوقی را اثبات و آن را محکوم

نماید. به موجب این نظریه، قاضی پرونده اجازه می‌دهد در پی وقوع رفتار مجرمانه، برای احراز رکن معنوی جرم به بینش، نگرش، سیاست و سیستم شخص حقوقی رجوع کند و بر این مبنا حکم بر محکومیت آن صادر کند. ماده ی ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه پس از بیان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در صورت ارتکاب جرم از جانب اشخاص حقیقی به حساب آن‌ها، در انتهای ماده ی ۳-۱۲۱ بیان می‌دارد:

« در حالت پیش بینی شده در بند پیشین اشخاص حقیقی ای که به طور مستقیم سبب ورود خسارت نگردیده‌اند ولی وضعیتی را ایجاد نموده یا در ایجاد وضعیتی شرکت نموده‌اند که امکان ورود خسارت را فراهم آورده است یا تدابیری که مانع از ورود خسارت می‌شود را به کار نبرده‌اند، از نظر کیفری مسئول می‌باشند اگر ثابت شده باشد که آنان خواه با اراده‌ای آشکار تعهد ویژه مبتنی بر احتیاط یا ایمنی پیش‌بینی شده وسیله‌ی قانون یا آیین نامه را نقض کرده‌اند خواه خطای فاحشی را مرتکب شده‌اند که دیگری را در معرض خطر جدی قرار می‌داده است که نسبت به آن نیز نمی‌توانسته‌اند ناآگاه باشند».

همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم و پیش‌تر عنوان شد، قانون‌گذار فرانسه در دو حالت اشخاص حقیقی را دارای مسئولیت فرض می‌کند؛ یکی تقصیر آگاهانه در ارتکاب عمل مجرمانه و ورود خسارت و دیگری خطا و تقصیری که در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی و ناخواسته در رعایت مقررات آن مجموعه داشته‌اند که هر دو ناشی از خطایی است که از ناحیه‌ی آنان سر زده است. حال اگر ارتکاب عمل مجرمانه طبق ماده ی ۲-۱۲۱ به حساب شخص حقوقی انجام گیرد، مسلماً خطای شخص حقوقی را نیز در پی دارد که در نتیجه‌ی عدم نظارت یا مراقبت کافی منجر به نتیجه‌ی مجرمانه یا ورود خسارت شده است. به نظر می‌رسد عبارت به «حساب شخص حقوقی» مذکور در قانون جزای فرانسه به این معنا است

که جرم به نام و به حساب شخصی صورت گرفته که مسئولیت کلی یک مجموعه را عهده دار و از نظر قانونی به رسمیت شناخته شده است. در واقع میان رفتار مجرمانه ی فاعل مادی و قصور یا غفلت شخص مسئول در عدم اجرای نظامات دولتی رابطه ی علی و معلولی برقرار می باشد. مطابق نظریه ی مسئولیت نیابتی، اشخاص حقیقی به عنوان عامل یا نماینده ی شخص حقوقی شناخته می شوند و خطای ناشی از رفتار آنان در جهت منافع و به حساب شخص حقوقی بوده است. فلسفه ی شکل گیری این نظریه در حقوق انگلستان همان گونه که بیان شد در جهت حمایت از کارگران ناتوان بی احتیاط زیردست در ورود خسارت به دیگران بوده است. پس علاوه بر اشخاص حقیقی مرتکب جرم که کارگران می باشند، اشخاص حقوقی بالادست که همان کارفرمایان بوده اند نیز بر حسب مورد، در اثر عدم رعایت نظامات دارای مسئولیت کیفری خواهند بود. طبیعی است در صورت عدم سوءنیت یا عدم اطلاع شخص حقوقی از ورود خسارت بر طبق موارد نقض تعهد، پس از جبران می تواند به مسبب حادثه مراجعه کند و خسارت پرداختی به شخص ثالث را مطالبه کند که از موضوع بحث ما خارج است. از بین نظریات مطرح شده در این زمینه، مسئولیت نیابتی بر اساس خطا یا تقصیر صورت گرفته از جانب اشخاص حقیقی، به اشخاص حقوقی نیز سرایت می کند و این ما را به سمت پذیرش نظریه ی خطا یا تقصیر در مورد اشخاص حقیقی و مسئولیت نیابتی در مورد اشخاص حقوقی پیش می برد. اما این در صورتی است که به ارتکاب جرایم غیر عمد در حالت ترک فعل قائل باشیم؛ چرا که با یک تحلیل نظری در قوانین ایران و فرانسه و تأکید قوانین کیفری بر ایجاد مسئولیت در نتیجه ی تقصیر فاحش، مبنای مشترکی به چشم می خورد؛ بدین صورت که ماده ی ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت شخص حقوقی را در صورتی می پذیرد که نماینده ی قانونی آن به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی جرمی مرتکب شود؛ این در حالی است

که بند ۲ ماده ۱۲۱ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۴ آن را به حساب شخص حقوقی مورد پذیرش قرار می‌دهد. این موارد نشان‌دهنده ی غیرمستقیم بودن مسئولیت کیفری شخص حقوقی است که عمدتاً به صورت ترک فعل اعمال می‌شود. اما در حالت ارتکاب رفتارهای مجرمانه ی عامدانه یا جرایمی که دارای عنصر روانی مفروض هستند، به سختی می‌توان به نظریه ی تقصیر متمایل بود. در بسیاری از موارد ما با فرهنگ جرم‌زای اشخاص حقوقی ای مواجه هستیم که کارمندان یا کارگران آن، بدون کوچک‌ترین تقصیر یا نقض وظایف قراردادی خویش، با فشار اجرایی سازمانی در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند و این شخص حقوقی است که می‌بایست در قبال نقض وظایف قانونی پاسخ‌گو باشد. مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در کنار سیاست جرم‌زا و قابل کیفر شخص حقوقی در صورتی می‌تواند در عرض یکدیگر قرار گیرد که در راستای منافع یا سیاست سازمانی شخص حقوقی انجام گیرد. به نظر می‌رسد قاضی باید در هر مورد با توجه به نوع جرایم ارتكابی به تفکیک به موضوع حاضر نگریسته و حکم متناسب با آن رفتار صادر نماید.

بخش سوم: قلمرو جرایم ارتكابی

در حقوق کیفری فرانسه قلمرو کلی جرایم قابل انتساب به اشخاص حقوقی را می‌توان در دو زمینه تقسیم‌بندی نمود:

- ۱- در جرایم جنحه ای و جنایی که در مورد اشخاص حقوقی تحت یک عنوان و بدون تفکیک ذکر شده اند و خود به سه گروه جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه منافع ملت و دولت و آسایش عمومی تقسیم شده اند.

۲- در امور خلافی که به سه دسته ی جرایم خلافی علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم شده است. در احکامی از دادگاه های فرانسه ما شاهد محکومیت شرکت در حالت قتل غیر عمد هستیم، چنان که شرکتی به دلیل جراحت غیر عمد از طرق استخدام کارگر در کادر کار بدون ایجاد محیطی مناسب در زمینه ی ایمنی، مجرم شناخته شد. در پاسخ به این سؤال که آیا امکان ارتکاب جرایم مزبور توسط اشخاص حقوقی در حالت های مختلف عمدی و غیر عمدی وجود دارد یا خیر؟ باید گفت که قاعده ی تعدد مسئولیت در قسمت پایانی ماده ی ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه بیان گر این است که اشخاص حقوقی ممکن است با یک یا چند نفر شخص حقیقی مسئول رفتاری قرار گیرند که در ارتکاب آن دچار خطا یا عمد بوده اند که مانع از آن است که شخص حقیقی که عمل مجرمانه را به حساب شخص حقوقی انجام داده یا مثلاً در ارتکاب آن معاونت یا مشارکت داشته، از مسئولیت کیفری مبرا شود. متن عبارت بند سوم ماده ی ۲-۱۲۱ اقتضا می کند که مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت متعدد و در کنار یکدیگر در جرایم عمدی و غیر عمدی مورد بررسی قرار دهیم. اشخاص حقوقی ممکن است در قلمرو جرایم عمدی به خصوص در جرایم علیه اموال و مالکیت مسئولیت کیفری پیدا کنند. موضوع این جرایم ترکیبی است از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حقیقی که نه تنها تحت عنوان مشارکت بلکه به عنوان معاونت یا گاهی مباشرت معنوی در جرم نیز قابلیت تحقق دارد. متون قانونی، صریح در این معنا هستند که شخص حقوقی در جرایم عمدی می تواند در حد شریک و گاهی در حد معاون جرم که مباشر یا مجرم اصلی و مادی آن شخص حقیقی است، مورد تعقیب قرار گیرد. در پیش نویس طرح ۱۹۸۶، تعدد مسئولیت مبتنی بر یک تحلیل اساسی بود و آن هم مسئولیت کیفری مدیر مؤسسه به عنوان شخص حقیقی و هم مسئولیت کیفری مؤسسات یا شرکت به عنوان

شخص حقوقی را جداگانه در پی داشت و در نهایت به مسئولیت کیفری شخص تصمیم‌گیرنده می‌انجامید. در متن پیش‌نویس آمده بود که: «اگر ثابت شود که مدیر شخصاً اتخاذ تصمیم کرده یا در تحقق جرم اراده‌ی شخصی او دخیل بوده است، در صورتی که در قانون پیش‌بینی شده باشد، مسئول می‌باشد». این قید مبین آن بود که پیش‌نویس از رویه‌ی قضایی معمول فاصله گرفته است؛ زیرا به موجب رویه‌ی قضایی مطروح سابق، مدیران یا هیأت‌مدیره برای ارتکاب جرایمی که روحشان از آن بی‌خبر بود به طور مطلق مسئولیت داشتند. به همین دلیل است که مجلس سنا بعد از پذیرش اصل تعدد مسئولیت به نحو قابل ملاحظه‌ای دامنه‌ی این اصل را در جهت تخفیف مسئولیت اشخاص حقیقی که همان مدیران یا کارکنان شخص حقوقی هستند، محدود کرده بود.

بند اول: قلمرو زمانی

محدوده‌ی زمانی‌ای که اشخاص حقوقی در آن مسئولیت کیفری دارند، یکی از ضوابط بسیار مهم در خصوص ایجاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. این موضوع در مورد تمامی اشخاص حقوقی کاربرد نداشته و صرفاً بر شرکت‌های تجاری که اهداف سودجویانه دارند و توسط مؤسسين تأسیس می‌شوند و باید مراحل و تشریفات مربوط به تشکیل شرکت را رعایت کنند و هنگام انحلال مرحله تصفیه را سپری کنند، صدق می‌کند؛ زیرا شرکت در این دو مقطع زمانی یعنی در دوران تشکیل و بعد از انحلال در زمان تصفیه یا فاقد شخصیت حقوقی است یا شخصیت حقوقی کاملی ندارد. امروزه قاضی جزایی در فرانسه برای شرکت در حال تأسیس، شخصیت حقوقی قائل است. این امر به استقلال حقوق جزا و استقلال و استغناى قاضی جزایی از سایر رشته‌های حقوقی بر می‌گردد. زیرا قاضی اجباری ندارد که از حقوق تجارت الهام بگیرد. گاهی اشخاصی تشکیل شرکت تجاری که یکی از اشخاص حقوقی

حقوق خصوصی می باشد را دست آویزی برای رسیدن به اهداف نامشروع خود قرار می دهند. در واقع با درخواست ثبت برای تشکیل شرکت با نام رسمی شکل قانونی به جرایم قابل ارتکاب می دهند. به موجب ماده ی ۵-۱۸۴ و ۶-۱۸۴ قانون تجاری فرانسه، انحلال شرکت یا هر تشکلی که دارای اهداف سودجویانه است موجب زوال کامل شخصیت حقوقی آن نمی شود. طبیعی است به منظور حفظ حقوق طلبکاران اگر شخص حقوقی پیش از انحلال به مجازات جزای نقدی یا مصادره محکوم شده باشد، در صورت عدم اجرا تا زمان انحلال، تا پایان عملیات تصفیه به تأخیر خواهد افتاد. در این مورد ماده ی ۱۳۳-۱ قانون جزای فرانسه مقرر می دارد:

«... وصول جریمه ... و مصادره بعد از انحلال شخص حقوقی تا پایان عملیات تصفیه به تأخیر می افتد».

همان طور که ملاحظه می کنیم، هم در قانون ایران و هم در قانون فرانسه مرگ شخص حقیقی با انحلال شخص حقوقی در یک راستا قرار داده شده است و به قول حقوق دانان فرانسوی، برای شخص حقوقی وجود و حیات اجتماعی قائل شده اند. طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران با فوت شخص حقیقی موقوفی تعقیب صادر می شود و این ناشی از اصل شخصی بودن مجازات ها و مسئولیت کیفری است ولی انحلال شخصیت حقوقی مانع از تعقیب امر جزایی نمی باشد؛ چرا که پس از انحلال دوران تصفیه فرا می رسد و شرکت در این زمان نه شخصیت کامل بلکه شخصیت تضعیف شده یا ناقصی را داراست که مسئول قلمدادن نمودن او مطابق مقررات قانونی است.

بند دوم: قلمرو مکانی

قلمرو مکانی یا اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی یکی از اصول مسلم و پذیرفته شده ی حقوق جزا است. ماده ی ۲-۱۱۳ قانون جزای فرانسه در این مورد مقرر می دارد:

«قانون کیفری در مورد جرایمی که در سرزمین جمهوری مزبور رخ می دهد قابل اجرا است».

ملاحظه می کنیم که این ماده به اصل سرزمینی بودن جرایم در فرانسه اشاره دارد. در فرانسه ملیت یک شرکت اهمیتی ندارد. اگر یک شرکت خارجی در فرانسه مرتکب جرمی شود یا به موجب قانون به حقوق فرانسه تجاوز کند، مسئولیت کیفری دارد.

بخش چهارم: مصادیق قانونی و قضایی

در بسیاری از قوانین از جمله قوانین خاص و هم چنین رویه قضایی، ما به نمونه هایی از مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر در مورد اشخاص حقیقی یا حقوقی بر می خوریم که نشان دهنده ی چگونگی برخورد قانون گذار و دادگاه ها با این مسئله در زمان های مختلف بوده است. قوانین پراکنده ای که مسئولیت کیفری را مستقیماً متوجه شخص حقوقی نموده و در مواردی نیز این مسئولیت را متوجه اشخاص حقیقی اعم از مدیرعامل و یا مدیر مسئول شخص حقوقی و یا کسانی که تصدی امور شخص حقوقی را بر عهده گرفته و یا هر شخص دیگری که رفتار مجرمانه ی او موجب ارتکاب جرم شده است. چند نمونه از مصادیق قانونی در ادامه مورد اشاره قرار گرفته که عبارتند از:

۱- ماده ی ۵۶ آیین نامه تعقیب و مجازات جرایم اقتصادی مصوب ۴۵ ژوئن ۱۹۴۵: «صاحبان فروشگاه ها و مغازه ها به جهت افزایش غیر قانونی قیمت ها مسئول می باشند و مجازات می شوند هر چند این افزایش از طرف کارفرما به خاطر بعضی اعمال مجرمانه که از طرف کارگر در محیط کارخانه و کارگاه صورت گیرد، از لحاظ جزایی مسئول شناخته می شود» همان طور که پیش تر بیان شد، کشور فرانسه در سال ۱۹۴۵ برای اولین بار صراحتاً مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر را مورد تصویب قرار داد و ماده ی مذکور

یکی از اولین قانون های مصوب در این زمینه می باشد. این در حالی بود که در ایران یکی از اولین مصوبات مجلس شورای ملی، قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم ۱۹۲۶ هجری قمری بود. ماده ی ۴۸ قانون مزبور به این موضوع اشاره داشت.

۲- ماده ی ۲۱ قانون راه ها مصوب ۱۵ دسامبر: ۱۹۴۵: «وقتی راننده ی یک وسیله نقلیه به دستور مباشر یا ارباب خود عملی برخلاف مقررات راهنمایی و رانندگی انجام می دهد، دادگاه می تواند با توجه به اوضاع و احوال عمل ارتكابی و شرایط استخدام شخص ذینفع، حکم دهد که پرداخت جریمه به پلیس که با توجه به این قانون تعیین می شود. . . کلاً یا بعضاً به عهده مالک است». مسلماً ماده ی فوق در صورتی مسئولیت را بر عهده ی مالک قرار می دهد که محکومیت مالی مزبور، جزایی باشد. در این صورت است که می توان آن را مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر تلقی کرد.

۳- ماده ی ۱-۲۱ قانون راه ها مصوب ۳ ژانویه ۱۹۷۲: «دارنده ی گواهی ثبت ماشین، مسئول مالی جرایم ناشی از توقف وسایل نقلیه است» دو ماده ی اخیر راجع به تخلفات رانندگی توسط راننده ای است که عنوان شاگردی دارد.

۴- ماده ی ۳۱۳ قانون مجازات عمومی فرانسه: «هرگاه در ضمن بلوا یا شورش، جرایمی علیه جسم و جان افراد یا دارایی آنان به وقوع بپیوندد، رؤسا و مدیران و محرکین به همان مجازاتی که برای مرتکبین این جرایم مقرر است محکوم می شوند»

۵- ماده ی الحاقی ۲۶۳-۲-۱ قانون ۶ دسامبر ۱۹۷۶ مربوط به توسعه پیش گیری حوادث کار: «در مورد جرایمی که در بند ۱ ماده ل ۲۶۳ که سبب مرگ یا جراحات در شرایط تعریف شده در موارد ۶-۲۶۳ و ۱۹-۲۲۲ ق.م.ج یا به طور غیرعمدی موجب ضرح و جرح یا بیماری های منجر به سلب قدرت کامل کار تا سه ماه که یک شاگرد مرتکب

شده است می شوند، دادگاه می تواند با در نظر گرفتن اوضاع و احوال عمل و شرایط کار ذینفع تصمیم بگیرد که پرداخت جزایهای نقدی و هزینه های دادرسی مورد حکم کلاً یا قسمتی از آن به عهده کارفرما قرار می گیرد.»

۶- ماده ی ۴۴ بند ۲ قانون ۲۹ ژانویه اصلاحی با قانون ۲۵ مارس: ۱۹۵۲: « اگر مدیر یک نشریه از مصونیت پارلمانی استفاده می کند، پرداخت جزای نقدی و ضرر و زیان ممکن است با کسر از درآمد بنگاه صورت بگیرد. و در مورد تبلیغات مشروبات، پرداخت جزایهای نقدی ناشی از جرایم مواد ۱۷ تا ۲۰ قانون (۲۲ ژانویه ۱۹۲۲ ماده ۲۲) مشروب فروشی ها، ممکن است به عهده اشخاص حقوقی قرار داده شود.»

۷- قانون ۱۰ ژوئیه ۱۹۵۲ درباره ی مبارزه با قاچاق سیگار و الکل که به دادگاه اجازه می دهد مسئولیت پرداخت جریمه و هزینه ی دادرسی را که علیه مدیر یا کارکنان مؤسسه صادر شده، به شخص حقوقی تحمیل کند که این به معنای پذیرش غیر مستقیم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است.

۸- قانون ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۷ در خصوص سازش غیر قانونی، به وزیر اقتصاد اختیار داده است که از طریق کمیسیون رقابت، مؤسسه یا شخص حقوقی را که ممنوعیت های موضوع ماده ی ۵ را نقض کند یا با سازش غیرقانونی با مؤسسه ی دیگر در ساخت فرآورده ها تبانی نماید، چه به صورت پنهانی و چه آشکار یا اعتصابی ترتیبی دهد که باعث نقض مقررات رقابت باشد، به جریمه ای معادل پنج برابر آخرین مالیات اخذ شده محکوم نماید. رویه ی قضایی کشور فرانسه بدون نص صریح قانونی دایره ی مسئولیت کیفری از اعمال دیگران را بسط و گسترش داده است. در ذیل نمونه هایی از آن ها آورده شده است:

- ۱- دادنامه ی مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۵۶ چنین مقرر می دارد: « رئیس کارخانه که تفاله های کارخانه اش موجب مسموم شدن آب رودخانه و مرگ ماهی های رودخانه شده، جزائاً مسئول می باشد ولو این که این عمل در اثر حادثه و در غیاب وی اتفاق افتاده باشد»
- ۲- شعبه ی جزایی دیوان تمیز فرانسه در حکم فرجامی ۶ مارس ۱۹۴۶، مدیر یکی از کارخانه های کاغذ سازی را به علت ریختن فضولات کارخانه در آب رودخانه مسئول جزایی اعلام نمود در حالی که عمل مزبور در غیاب مدیر کارخانه صورت گرفته بود.
- ۳- در سال ۱۹۴۴ دیوان فرانسه نظر داده بود که: «هرگاه در اثر خبط و خطای یکی از کارمندان داروخانه به هنگام نسخه پیچی جرمی تحقق یابد، مدیر داروخانه مسئول این خطا می باشد. همان دیوان در سال های قبل یعنی در سال ۱۸۷۲ نظر داده بود که هرگاه در اثر اشتباه سوزن بان راه آهن جرمی واقع شود، رئیس ایستگاه جزائاً مسئول است»
- ۴- در سال ۱۹۴۴ دیوان کشور فرانسه چنین نظر داد: «هرگاه به هنگام تعلیم رانندگی، جرمی از ناحیه ی تعلیم گیرنده اتفاق بیفتد، معلم راهنمای او مسئول و قابل کیفری است».
- ۵- در سال ۱۹۶۶ دیوان تصمیم گرفت که: «هرگاه مأمور کنترل سینما در مورد فیلم های ممنوع برای اطفال کم تر از ۱۶ سال از ورود آن ها جلوگیری نکند و آنان داخل سینما شوند، مدیر سینما جزائاً مسئول است».
- ۶- دیوان در سال های ۱۹۶۴ و ۱۹۶۳ چنین نظر داد: «هرگاه اتوبوس یا کامیونی با داشتن نقص فنی به حرکت درآیند و موجب وقوع جرم شوند، صاحبان کامیون و اتوبوس نیز جزائاً مسئول می باشند» همان گونه که توضیح داده شد و در برخی از آرای قضایی ملاحظه می کنیم، برخلاف دیدگاه اکثریت حقوق دانان به شکل گیری قصور در اجرای قوانین و نظامات دولتی در اثر ترک فعل از جانب شخص مسئول رفتار دیگری، مسئولیت

کیفری نیابتی به صورت عمد نیز قابلیت ارتکاب خواهد داشت، مثل: جرایم علیه اموال یا اشخاص.^۱ بنابراین دیدگاه اهمال در انجام وظایف مقررۀ مطابق مقصود پژوهش حاضر نیست. بلکه این رفتار هم به شکل فعل هم به شکل ترک فعل قابل ارتکاب است. برای مثال: می‌توان برای شرکت یا شخصی که با دادن امکانات و اختیارات گسترده‌ی مالی و اداری به مدیر فروش خود، ریسک ارتکاب جرمی مثل کلاهبرداری را از مشتریان افزایش می‌دهد، می‌توان آن را به عنوان مسئول نیابتی تحت عنوان کلاهبرداری ناشی از فعل ریسک مدار نامید.

نتیجه‌گیری

یکی از اصول شناخته شده‌ی مسلم جزایی، اصل شخصی بودن مجازات است که با اصل فردی کردن مجازات تفاوت دارد. اصل مزبور در تعیین مسئولیت کیفری اشخاص و اعمال مجازات بر آن‌ها مستلزم احراز مواردی است؛ از جمله عملی که متهم انجام داده یا از انجام آن امتناع کرده باید از دید قانون جرم به شمار آید، وجود رابطه‌ی علیت میان عمل مجرمانه و متهم یا میان نتیجه‌ی مجرمانه و عمل متهم احراز شود، وجود قصد مجرمانه پیش از ارتکاب عمل یا مقارن آن و تقارن آن دو احراز شود. در صورت وجود سه شرط مزبور، شخص مجرم شناخته می‌شود اما برای اعمال مجازات افزون بر سه شرط مزبور، شرط دیگری لازم است و آن این که متهم هنگام ارتکاب جرم دارای شرایط مسئولیت کیفری یعنی باید بلوغ، عقل و اختیار باشد. در صورت احراز شرایط مزبور می‌توان مجازات در نظر گرفته شده در قانون را بر چنین شخصی اعمال کرد؛ زیرا چنین فردی توانایی پاسخ‌گویی و توانایی پذیرفتن بار تقصیر ارتكابی خویش را دارا است. این اصل به طور مطلق قابل اجرا

۱. جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی در این زمینه دیده نشده است.

نیست و در برخی از مواقع با شرایطی مواجه هستیم که ناگزیر از تخطی عدم اجرای آن به طور کامل هستیم. اصل مسئولیت کیفری به علت رفتار غیر، یکی از نوآوری های حقوق کیفری است که با شرایط خاصی مانع از اجرای مطلق اصل شخصی بودن مجازات خواهد شد و برخلاف تصور عده ای از حقوق دانان استثنائی بر آن نمی باشد. این اصل در حقوق فرانسه حدود دو قرن سابقه ی اجرایی دارد که در پرونده های مختلف حقوقی به ویژه حقوق مدنی آن هم در مورد اشخاص حقیقی کاربرد داشته است. این امر به دلیل تشتت آراء بین دیوان عالی فرانسه و حقوق دانان و هم چنین رویه ی قضایی متفاوت و عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از سوی برخی از علمای حقوق، رویه ی واحدی نداشته، تا این که دادگاه های فرانسه و در رأس آن ها دیوان عالی از اوایل قرن بیست تحت تأثیر مکتب نئوکلاسیک نوین و نهضت دفاع اجتماعی نوین به سمت پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این زمینه پیش رفتند و کار تدوین و تهیه اصلاح قانون جزای ۱۸۱۰ به طور جدی در دستور کار وزارت دادگستری فرانسه قرار گرفت و پیش نویسی تهیه شد. جدیدترین قانون جزای فرانسه قانون ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ است که در سال ۱۹۹۴ اجرایی شد و مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر به خصوص مقررات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در آن جای گرفت. بند ۲ ماده ی ۱۲۱ قانون جزای فرانسه به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و بند ۳ به اشخاص حقیقی در خصوص موضوع پژوهش حاضر می پردازد. به نظر می رسد به لحاظ مبنایی، نظریه ی مسئولیت نیابتی با توجه به تقصیر و صورت گرفته ی مندرج در ماده ی ۱۲۱ قانون جزا دارای مقبولیت بیش تری است. ضمن این که در بسیاری از موارد می توان مبنای مسئولیت سازمانی را نیز پذیرفت؛ چرا که برخی جرایم ارتکاب یافته به دست نمایندگان در جهت سیاست گذاری های نهاده شده ی یک شرکت یا مؤسسه اتفاق می افتد و اشخاص حقیقی در این مورد

نقش به سزایی ندارند. با این وجود این نافی مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی نیست که در ماده ی فوق الذکر مورد اشاره قرار گرفته؛ به طوری که مسئولیتشان در عرض یکدیگر قرار می گیرند. بنابراین می توان به شرایط حقوقی مشترک مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ایران و فرانسه قائل بود که آن رکن قانونی مربوط در قوانین دو کشور، رکن مادی به دست نماینده ی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی در ایران و به حساب شخص حقوقی در فرانسه در چارچوب رابطه ی قراردادی و تخلف در آیین نامه ها و قوانین صنفی ای که کارفرما مکلف به رعایت آن هاست و رکن معنوی که نشان دهنده ی خواست ارتکاب رفتار مجرمانه در حالت عمد به شکل سوءنیت و در حالت غیرعمد به صورت تقصیر جلوه می کند، می باشد. این در حالی است که بسیاری از حقوق دانان آن را تنها در جرایم غیرعمد ممکن می دانند. نقطه ی مشترک بین دو کشور در بروز عنصر روانی جرم است که در اشخاص حقیقی مرتکب جرم شکل می گیرد که اعتقاد بر عاریه گرفتن عنصر روانی از شخص حقوقی و نمود در اشخاص حقیقی جهت ارتکاب جرم است. این شرایط فرع بر سه شرط اصلی برای دارا بودن مسئولیت کیفری است.

قلمرو جرایم ارتكابی از دو بعد زمانی و مکانی قابل بررسی است. در صورت ارتكاب جرم منسوب به شرکت در دوران تصفیه مسئولیت کیفری شخص حقوقی باقی است و مدیران یا نمایندگان قانونی شرکت در مدت تصفیه جای خود را به مدیران تصفیه داده و اشخاص اخیر پاسخ گوی جرایم ارتكابی در مقابل قانون هستند. در خصوص بعد مکانی اشخاص حقوقی، ماده ی ۲-۱۱۳ قانون جزای فرانسه و ماده ی ۳ قانون مجازات اسلامی به اصل سرزمینی بودن قوانین اشاره کرده و جرایم ارتكابی معین شده در حوزه ی مکانی هر یک مطابق قانون آن کشور مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار می گیرد. مانند: شرکت خارجی که مرتکب رفتار مجرمانه ای شده و در ایران دارای شعبه یا نمایندگی باشد.

منابع و مآخذ

۱- کتب

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۷). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان، جلد دوم.
۲. عبدی، مهدی. (۱۳۹۴). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و فرانسه. تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
۳. فرج اللهی، رضا. (۱۳۸۹). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه. تهران: نشر میزان، چاپ اول

۲- پایان نامه و رساله

- حسنی، محمد حسن. (۱۳۷۴). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
- رفیع زاده، علی. (۱۳۹۲). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- رنجبر، حسین. (۱۳۹۲-۱۳۹۱). مطالعه ی تطبیقی مسئولیت کیفری نیابتی در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۳- مقاله های الکترونیکی

- i. -Olivier Gout (. n. d). Le droit français positif et prospectif de la responsabilité du fait d'autrui . Récupéré à partir de :
- ii. http://grerca.univ-rennes1.fr/digitalAssets/268/268672_ogout.
- iii. -Nuno Manuel& Pinto Oliveira (. n. d). La place des responsabilités objectives.

- iv. Responsabilité du fait d'autrui / responsabilité du fait des chose.
Récupéré à partir de :
- v. http://grerca.univ-rennes1.fr/digitalAssets/288/288519_oliveira.pdf
- vi. -Jiang,Ying. (2010). Etude comparée de la responsabilité d'elictuelle du fait d'autrui en France et en Chine law.
Univrsité paris-Est.
- vii. -Marchand, Philipe. (1989). Depute Rapport Documment Mis en Distribution,tome
- viii. 4- وب سایت ها
- ix. http://www.droitbelge.be/fiches_detail.asp?.
- x. http://fr.jurispedia.org/index.php/R%C3%A9sponsabilit%C3%A9_p%C3%A9nale_du_fait_d'autrui
- xi. https://fr.wikipedia.org/wiki/R%C3%A9sponsabilit%C3%A9_du_fait_d'autrui_en_droit_civil_fran%C3%A7ais.
- xii. https://fr.wikipedia.org/wiki/R%C3%A9sponsabilit%C3%A9_p%C3%A9nale_en_France.

۵- قوانین

- 1987. Code Administratif français .
- 1804. code civil français.
- 1994. code pénal français.
- 1922. code de la route français.

- i. Camerlynk, G. H & Lyon cohen, Gerard. (1972). Droit du Travail : Dalloz(5 éd). Paris.
- ii. Larguier, Jean. (1995). Le Droit pénal général: Dalloz. momento(15éd). Paris.
- iii. Stéfani, Gaston . Levasseur, Georges. Boulloc, Bernard. (2008). précis de droit pénal général : . Dalloz. (20éd) .